

Research Article

The Role of Urban Transformations in the Emergence of Challenges to the Religious Lifestyle of Women in Iran

Shamsollah Mariji¹

Reyhaneh Karparvar²

Zahra Majd Amin³

Received: 28/06/2023

Accepted: 04/10/2023



Abstract

With the advent of modernity in Iran, the concept of "city" in its contemporary sense was born and has undergone numerous transformations since then. As these transformations have posed challenges in the physical structure of the city in terms of housing, urban facilities, and transportation, this research, adopting a thematic approach, aims to explore these challenges and their resolution by social policymakers, urban planners, and religious scholars. Using a descriptive-analytical method and relying on available data from documentary sources, the study delves into the question of how urban transformations have influenced the emergence of challenges to the religious life of women in Iran. Thus, after examining urban transformations in the Qajar, Pahlavi, and post-revolutionary

1. Professor, Faculty of Social Sciences, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. Email: mariji@bou.ac.ir ORCID: 0000-0002-4802-2773

2. Ph.D. student, Social Sciences of Muslims, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: karparvarshirazi@gmail.com ORCID: 0009-0006-8679-8579

3. Graduate in Jurisprudence and Principles of Islamic Law and lecturer in the Qom seminary, Qom, Iran. Email: zahrz.aminmajd@gmail.com ORCID: 0009-0000-3226-3436

* Mariji, Sh., Karparvar, R., & Majd Amin, Z. (1402 AP). The Role of Urban Transformations in the Emergence of Challenges to the Religious Lifestyle of Women in Iran. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 124-152. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.64309.1933>

© The Author (s).

periods, it elucidates the challenges that have arisen as a result of these transformations and have affected the religious lives of women. The findings reveal that housing transformations have created challenges such as hindering the internalization of the hijab requirement, depriving women of the capacity for religious literacy through domestic gatherings, and more. Transformations in urban facilities have led to challenges such as the demand for women's presence in public spaces as a feminist demand, the reinforcement of consumerism, and so on. Changes in transportation have brought about challenges such as an increase in women's inclination to travel at night in the city.

Keywords

Urban Transformations, Urbanism, Challenges, Women's Lives.

مقاله پژوهشی

نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های

زیست مؤمنانه زنان در ایران

شمس‌الله مریجی^۱ ریحانه کارپور^۲ زهرا مجدامین^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

©Author(s).



چکیده

با ورود مدرنیته به ایران «شهر» به معنای امروزی آن متولد شد و تاکنون دگرگونی‌های زیادی را گذرانده است. از آنجا که دگرگونی‌ها در سامانه کالبدی شهر در سه بُعد؛ مسکن، تجهیزات شهری و حمل و نقل، چالش‌هایی را در زیست مؤمنانه زنان ایجاد کرده است، پژوهش حاضر با رویکرد موضوع‌شناسانه به این چالش‌ها و به‌منظور حل آنها از سوی سیاست‌گذاران اجتماعی، برنامه‌ریزان شهری و فقیهان، با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های موجود در منابع اسنادی به ژرفکای این پرسش می‌پردازد که نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های زیست مؤمنانه زنان در ایران چگونه بوده است؟ بنابراین پس از بررسی تحولات شهری در سه دوره قاجار، پهلوی و بعدازانقلاب به تبیین

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. mariji@bou.ac.ir

ORCID: 0000-0002-4802-2773

۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

karparvarshirazi@gmail.com

ORCID: 0009-0006-8679-8579

Zahrz.aminmjd@gmail.com

۳. دانش‌آموخته خارج فقه و اصول و مدرس حوزه. قم، ایران.

ORCID: 0009-0000-3226-3436

* **استناد به این مقاله:** مریجی، شمس‌الله؛ کارپور، ریحانه و مجدامین، زهرا. (۱۴۰۲). نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های زیست مؤمنانه زنان در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۱۲۴-۱۵۲.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2023.64309.1933>

چالش‌هایی می‌پردازد که در اثر این تحولات به وجود آمد و زندگی دیندارانه زنان را متأثر ساخت. یافته‌ها نشان می‌دهد تحولات مسکن چالش‌هایی نظیر ایجاد مانع در درونی شدن حکم حجاب، محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان و... را ایجاد کرده است. تحول در تجهیزات شهری چالش‌هایی نظیر تبدیل شدن حضور زنان در فضاهای شهری به‌عنوان یک مطالبه فمینیستی، تقویت روحیه مصرف‌گرایی و... را موجب شده و تغییرات در حوزه حمل‌ونقل چالش‌هایی همچون افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها

تحولات شهری، شهرنشینی، چالش، زندگی زنان.

مقدمه

شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. منظور از ایران معاصر در این نوشتار از زمان روی کار آمدن سلسله قاجار تاکنون است. در ابتدای این دولت است که مفهوم «شهر» به معنای امروزی آن متولد می‌شود و در اثر سیاست‌های توسعه برون‌زا شباهت بیشتری به شهرهای جوامع مدرن پیدا می‌کند (اهری، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

با شروع تغییرات اجتماعی در دوره پهلوی و اعمال سیاست‌های نوسازی رضاخان ساختارهای شهری و نهادهای مدنی در ایران تحولات گسترده‌ای را تجربه کردند (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱) که موجب دگرگونی در سامانه کالبدی شهر و تغییر در سبک زندگی مردم شد و شهرنشینی مدرن را به ارمغان آورد (کلاتری، ۱۳۹۸، ص ۴۰۹). احداث خیابان‌های مدرن، چرخش معماری از درون به بیرون و ساخت بناهای تفریحی و ... به تقلید از شهرسازی غرب از جمله این دگرگونی‌ها بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز روند شهری‌شدن در ایران ادامه یافت و در اثر توسعه روزافزون، برخی شهرها به کلان‌شهر تبدیل شدند و شبکه‌ای از تأثیر و تأثرها میان کلان‌شهرها و شهرهای کوچک‌تر اتفاق افتاد.

تغییرات بنیادینی که از قاجار تا امروز در سامانه کالبدی شهر در بعد مسکن، تجهیزات شهری و حمل‌ونقل به وجود آمد تأثیرات عمیقی بر زندگی زنان گذاشت و چالش‌هایی برای زیست مؤمنانه آنان ایجاد کرد. به‌عنوان نمونه ایجاد مانع در درونی‌شدن حکم حجاب به دلیل نبود فضای مناسب استفاده زنان از محیط طبیعی بدون الزام به پوشش در زندگی آپارتمان‌نشینی، محرومیت از ظرفیت مجالس مذهبی با محوریت خانه در جهت افزایش سواد دینی زنان، افزایش روحیه مصرف‌گرایی و تعارض بین نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر و از جمله چالش‌هایی است که در اثر برون‌گراشدن معماری خانه‌ها، کم‌شدن مساحت و جمعیت هر خانه زیست مؤمنانه زنان را تحت تأثیر قرار داده است؛ بنابراین نوشتار حاضر با تبیین این نکته که اساساً برخی از چالش‌های زیست زنان در دنیای معاصر در اثر تحولات شهری بوده و دشواری‌هایی را

در برابر سبک زندگی دینی بانوان فراهم ساخته، این چالش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از رهگذر آن علاوه بر برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران، فقیهان و نهاد دین نیز بتوانند با شناخت دقیق موضوع این چالش‌ها، بانوان را برای حل آنها یاری نمایند. زیرا تغییرات زمان و مکان آن در موضوعات احکام تاثیر گذاشته و می‌تواند خاستگاه دیدگاه‌های فقهی متناسب با آن تحولات شود.

بنابراین پژوهش پیش‌رو با انجام موضوع‌شناسی چالش‌های جدیدی که در اثر تحولات شهری زندگی دیندارانه زنان را متأثر ساخته، درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: تحولات شهری در ایران معاصر چه مراحل را گذرانده است؟ این دگرگونی‌ها چه تأثیراتی بر زندگی زنان گذاشته و چه چالش‌هایی را برای زیست مؤمنانه آنان ایجاد کرده است؟

هرچند پژوهش حاضر از نوع توصیفی بوده و چارچوب مفهومی لازم در ادامه ارائه شده است، اما به لحاظ نظری در رابطه با تحولات جوامع به سمت شهری شدن، از میان جامعه‌شناسان شهری می‌توان به دیدگاه هانری لوفور اشاره کرد. وی در کتاب خود تحت عنوان انقلاب شهری (۱۹۷۰) می‌نویسد: «ما با این فرضیه کار خود را شروع می‌کنیم که جامعه کاملاً شهری شده است» (فاضلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱) یکی از جامعه‌شناسان ایرانی در تطبیق نظریه لوفور بر جامعه ایران معتقد است: «شهری شدن جامعه ایران نه تنها از نظر رشد کمی «میزان شهرنشینی» بلکه از نظر «گسترش شهری شدن به عنوان شیوه غالب زندگی» در روستاها و شهرها... حائز اهمیت است» (فاضلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵). در همین راستا تحول شهر به عنوان مکان تغییرات، در کنار تحولات زمان می‌تواند در تغییر موضوع چالش‌های فرا روی زندگی مؤمنانه زنان ایفای نقش کند.

اگرچه در موضوع تأثیر تحولات شهری بر چالش‌های زندگی زنان در ایران پژوهش مستقلی تألیف نشده، اما پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه «زن و شهر» انجام شده که به صورت ضمنی به موضوع حاضر اشاراتی داشته‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

کتاب‌هایی همچون؛ زنان و کیفیت زندگی؛ با نگاهی به کیفیت زندگی زنان در شهر

فریبا سیدان، ۱۳۹۷) زنانه‌شدن شهر (نعمت‌الله فاضلی، ۱۳۹۴) و شهر و جنسیت (هلن جارویس^۱ و دیگران، ۱۳۹۴) به موضوع «زن و شهر» پرداخته‌اند و در میان مقالات منتشرشده مقالاتی با عنوان؛ «بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت، در شهر زابل» (خدارحم بزی و بیت‌اله رضایی، ۱۳۹۱) و «دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن» (احمد غیاثوند، ۱۳۹۴) و نیز فلسفه جایگاه حریمیت در خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر شیراز) (کیما السادات طیب‌زاده، ۱۳۹۶) نمونه‌ای از دهها مقاله‌ای است که تلاش کرده‌اند با رویکردی جامعه‌شناسانه ارتباط میان شهر و جنسیت را تحلیل و توصیف کنند. با وجود اهمیت چالش‌های ایجادشده در زندگی زنان در اثر تحولات شهری در ایران معاصر این منابع اشاراتی گذرا به این بحث داشته و نیاز به یک پژوهش مستقل در این زمینه احساس می‌شود.

۱. تعریف مفاهیم

از میان مفاهیم کلیدی نوشتار حاضر، تبیین و تنقیح دو مفهوم «شهر» و «چالش» ضروری می‌نماید.

۱-۱. شهر

بیشتر لغت‌نامه‌ها شهر را سکونت‌گاهی به نسبت بزرگ و دائمی معرفی می‌کنند. معین شهر را آبادی بزرگی تعریف می‌کند که دارای خیابان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، دکان‌ها و سکنه بسیار باشد (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه «شهر»). دهخدا نیز در تعریفی مشابه، چنین بیان می‌دارد: «مدینه و بلد و اجتماع خانه‌های بسیار و عمارات بی‌شمار که مردمان در آنها سکنی می‌کنند در صورتی که بزرگ‌تر از قصبه و قریه و ده باشد (دهخدا، ۱۳۵۱، ج ۶، ص ۳۴۳)» اندیشمندان علوم گوناگون از جمله جامعه‌شناسی تعاریف متعددی از اصطلاح شهر

1. Helen Jarvis

ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسانی همچون رابرت پارک^۱ شهر را «ارگانیزم اجتماعی و یا محل اسکان طبیعی انسان متمدن» می‌داند و زومبارت^۲ شهر را به جایی که اطلاق می‌کند که به علت گستردگی آن مردم همدیگر را نمی‌شناسند (تقوی، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

۲-۱. چالش

چالش در لغت فارسی به معنای «جنگ و جدال» بوده و در زبان انگلیسی آن را معادل Challenge قرار می‌دهند. هرچند فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی واژه‌هایی همچون «بحران» و «مسئله اجتماعی» را بررسی کرده‌اند؛ اما به بیان معنای اصطلاحی چالش نپرداخته‌اند (ذوعلم، ۱۳۸۴). به‌طور کلی در بیان اصطلاح چالش می‌توان گفت: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده و حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد... البته می‌توان معنای «چالش» را اعم از مشکلات و مسائل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی، فراگیر و محدود، ریشه‌دار و جدید دانست که می‌تواند به اندازه‌های گوناگون حرکت متعادل جامعه را کند یا متوقف سازد و مستلزم تلاش و تدبیر برای چاره‌اندیشی باشد (ذوعلم، ۱۳۸۴، ص ۳۶)».

۲. تحولات سامانه کالبدی شهر

در اینجا پس از بررسی تحول ذیل هر یک از ابعاد سه‌گانه سامانه کالبدی شهر، چالش‌هایی که از این روش زندگی زنان را متأثر ساخته تبیین می‌نماییم.

۱-۲. مسکن

۱-۱-۲. تحولات مسکن

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های کالبدی در شهرهای ایران تغییراتی بود که از زمان

1. E. Park.

2. W.Sombart.

قاجار در بنای خانه‌ها ایجاد گردید و از آنجا که زنان بخش عمده ساعات خود را در خانه سپری می‌کنند، این تغییرات تأثیرات عمیقی بر زندگی آنان گذاشت. تحولات مسکن به‌طور عمده در سه بعد صورت گرفت: اول، برون‌گرا شدن معماری خانه؛ دوم، کم‌شدن مساحت و کاهش جمعیت ساکن در هر خانه و سوم، از هم گسیختگی روابط محله‌ای.

۲-۱-۱. برون‌گرا شدن معماری خانه‌ها

بارزترین اتفاقی که در معماری ساختمان‌ها افتاد، چرخش بنا از درون به بیرون بود. در توصیف خانه‌های سنتی دوره قاجار آمده که صورت معماری خانه‌ها شامل یک ورودی نسبتاً طولانی بوده و اطراف حیاط علاوه بر اتاق مهمان‌خانه، اتاق‌های یکرو قرار داشته که به هم راه داشتند و به‌ندرت طبقه‌ای بر روی آنها ساخته می‌شد. تنها در برخی خانه‌ها یکی دو اتاق مجزا به نام بالاخانه وجود داشت که از هشتی راه می‌گرفت و چون بر روی بام خانه ساخته می‌شد تماسی میان فرد ساکن در بالاخانه و اهل خانه به وجود نمی‌آمد. آشپزخانه متصل به زیرزمین ساخته می‌شد تا دسترسی به انبار آذوقه و مواد غذایی آسان‌تر باشد. اهمیت رعایت مسایل بهداشتی و حرمت انسانی نیز موجب می‌شد سرویس بهداشتی در دورترین نقطه خانه باشد (شهری، ۱۳۶۹، صص ۲۴۷-۲۴۸). درون‌گرا بودن معماری خانه‌ها بر اساس باورهای دینی مردم نسبت به حرمت زندگی بوده و موجب می‌شده حریم دیداری و شنیداری ساکنین، به‌طور کامل حفظ شود. رعایت حریم بصری، از ورودی خانه‌ها با وجود دو نوع وسیله آگاه‌کننده کوبه و حلقه، بر روی درهای ورودی برای مردان و زنان شروع می‌شد و با طولانی و پیچ‌درپیچ ساختن راهروی ورودی، ساختار بیرونی-اندرونی خانه‌ها و تعبیه دو اتاق گوشوار در طبقه فوقانی تالار برای حضور زنان در مجالس بزرگ مردانه به‌نحوی که دیده نشوند، تأکید و غلظت بیشتری می‌یافت (معینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). حریم شنیداری نیز در طراحی محوطه با عناصری چون فضاهای سبز، دیوارها، کف و سقف و در و پنجره مدنظر قرار می‌گرفت و در داخل خانه با دقت در عواملی چون مصالح، ضخامت دیوارها و نوع چیدمان و

سازمان‌دهی فضایی پاس داشته می‌شد (طیب‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۵). از زمان ناصرالدین‌شاه و مسافرت‌های وی و درباریان به فرنگ کم‌کم معماری برون‌گرا وارد ایران شد و قسمت‌هایی همچون اندرونی‌ها و هشتی‌ها که نقش حافظان حریم‌خانه را داشتند، کمرنگ شدند.

پس از آن در دوره پهلوی اول بر اثر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، اصول معماری تغییر کرد و به واسطه افزایش رابطه با کشورهای غربی، فرهنگ غرب وارد معماری ایران شد و بناهایی ساخته شد که در آن التقاطی از عناصر معماری مدرن اروپایی و ایرانی به چشم می‌خورد. این جریان ابتدا توسط معماران اروپایی در ساخت بناهای دولتی آغاز شد و سپس به بناهای مسکونی نیز سرایت کرد. با توجه به شیفتگی حکومت پهلوی به تجدد و بازگشت فارغ‌التحصیلان ایرانی در رشته‌های معماری، روند مدرنیزاسیون در ساختار بناها در دوره پهلوی دوم به اوج خود رسید (جلیلی، ۱۳۹۴، ص ۲). در نهایت آپارتمان‌نشینی در دوره پهلوی دوم رواج پیدا کرد و معماری که تا قبل از این آمیخته به هنر و بر اساس رعایت نیازهای ساکنان و آداب اسلامی بود، به انبوه‌سازی مدرن و سبک اقتصادی «ساز-بفروش» تبدیل شد و نیازهای روحی و جسمی ساکنین آن خصوصاً زنان تحت‌الشعاع سود بیشتر قرار گرفت (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حوالی «سال ۱۳۶۰ را می‌توان آغاز دوره جدید شهرسازی در ایران به حساب آورد» (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۱) در این دوره نیز آپارتمان‌نشینی ادامه پیدا کرد و نقشه‌های آنها روزبه‌روز جدیدتر شد و به دلیل ملاحظات مادی و به بهانه افزایش مترائز، به تدریج راهروها و فیلترهایی که تا حدی حریم دیداری و شنیداری ساکنین خانه را تأمین می‌کرد به‌طور کلی حذف شده و مهمان‌خانه و نشیمن و آشپزخانه به اتحادی ناهمگون رسیدند (خامنه‌زاده، ۱۳۹۶). در آپارتمان‌های جدید وجود پنجره‌هایی که در آپارتمان‌ها کاملاً روبروی هم قرار گرفته ساکنین را برای حفظ حریم خصوصی ناچار به استفاده دائمی از پرده‌های ضخیم می‌کند. محل قرارگیری درب‌های ورودی نیز معمولاً به گونه‌ای است که با گشوده‌شدن آن، قلب‌خانه برای ناظر بیرونی مکشوف

خواهد شد (باران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین حذف فیلترها، ورودی‌ها و... چرخش کلی معماری از درون‌گرایی به برونگرایی مصداق بارز کم‌توجهی به اهمیت حریم افراد به‌ویژه زنان ساکن در خانه است که به حکم دین درون منزل معاف از حجاب هستند. نادیده‌گرفتن حریم دیداری و شنیداری و محدود شدن فضاهای عمل زنان بدون الزام به پوشش در محیط زندگی برای استفاده از نور و هوای مناسب و افزایش تجمل‌گرایی در دکوراسیون داخلی منازل از مهم‌ترین چالش‌های متأثر از برون‌گرا شدن معماری خانه‌ها بود که در قسمت چالش‌ها به آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱-۲. کم‌شدن مساحت خانه‌ها و کاهش آمار ساکنین آن

با گسترش شهرنشینی زمین‌های شهری قیمت پیدا کردند. علاوه بر این، تحرکات جمعیتی درون‌شهری که از دوره پهلوی آغاز شده بود باعث ایجاد خانواده‌های هسته‌ای و نومکانی شد که یا به شهر مهاجرت کرده و یا به بافت جدید شهر نقل مکان کرده بودند و در خانه‌های کوچک‌تری که از سبک معماری اصیل ایرانی فاصله داشت سکنی گزیدند.

در بافت سنتی مساحت زیاد خانه‌ها باعث شده بود تعداد افراد بیشتری بتوانند در یک خانه با هم زندگی کنند. «در سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰، ۲۰ درصد جمعیت تهران اجاره‌نشین بودند. در یک خانه ۱۰ خانوار سکنی داشتند که به هر کدام یک اتاق اجاره‌ای می‌رسید. نجم‌الملک میانگین تعداد نفرات را در هر خانه در سال ۱۲۸۶، ۱۶ نفر نوشته است» (اتحادیه، ۱۳۷۷، صص ۲۸-۱۱۷). در جریان مدرن‌شدن جامعه ایرانی شکل خانواده‌ها نیز به مرور از گسترده به هسته‌ای تغییر یافت و زوج‌های جوان کمتر تمایلی به زندگی در کنار خانواده‌های خود داشتند. این تحول در کنار اجرای سیاست‌های مهار جمعیت باعث شد فارغ از کوچک یا بزرگ بودن مساحت خانه، تعداد افرادی که در یک منزل مسکونی با هم زندگی می‌کردند کاهش یابد. بدیهی است در این شرایط نیاز به ارتباط که یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی زنان است، تأمین نشده و زندگی زنان را با چالش مواجه می‌سازد.

۲-۱-۳. ازهم‌گسیختگی روابط محله‌ای

چنانکه اشاره شد، در دوره قاجار سبک زندگی عموم مردم در خانه‌ها به صورت دسته‌جمعی بود. و همه مردم به‌ویژه زنان فعالیت‌های اجتماعی مشترکی انجام می‌دادند. رفتن به حمام، بازار، زیارت و تفریح عمده فعالیت‌های گروهی زنان بود. با گسترش شهر، و نوسازی محلات و ایجاد محلات جدید و نیز گسترش آپارتمان‌نشینی، روابط اجتماعی گذشته سست شدند و زندگی و خواست فردی مقدم بر زندگی جمعی شد. به اعتقاد نویسنده کتاب از شار تا شهر: «محله‌های نوساز یا بازسازی شده از وجود زندگی محله‌ای خالی است ... ما امروز به‌عنوان افراد منفرد در شهر پراکنده هستیم. هرکدام به دنبال کار خود و حل مشکلات خود هستیم. فضاهایی نیست که در آن درنگ کنیم تا دیگری و دیگران را کشف کنیم و از این طریق به آزادی‌ها و محدودیت‌های زندگی شهری پی ببریم. این منفرد زندگی کردن، خطرات بسیاری را می‌تواند به همراه داشته باشد» (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۶).

۲-۱-۲. چالش‌های تحولات مسکن و زیست مؤمنانه زنان

۲-۱-۲-۱. ایجاد مانع در درونی شدن حکم حجاب

برون‌گرا شدن نقشه ساختمان‌های مسکونی منجر به کمرنگ شدن حریم دیداری و شنیداری و لزوم استفاده از پرده‌های ضخیم و پنجره‌های با ارتفاع کم و محدود شدن استفاده بدون پوشش زنان از نور و هوای آزاد شده است. تبدیل شدن حیاط از یک فضای کاملاً خصوصی و امن، به یک فضای نیمه عمومی و حتی عمومی در بافت جدید شهری و سبک آپارتمان‌نشینی به دلیل اشراف خانه‌های مجاور یا مشاع بودن با دیگر همسایگان، رعایت پوشش شرعی را بر زنان الزام می‌کند و از جهت رعایت حریم بصری و شنیداری خاصیت خود را از دست داده است. این ساختار باعث می‌شود تفکیک بین دو عرصه خصوصی و عمومی و درک این مسئله که خانه محل معافیت دختران و زنان از حکم حجاب بوده و آنها بیرون از خانه ملزم به رعایت پوشش هستند، با دشواری مواجه شود؛ زیرا دختران تنها فضاهای محدودکننده را تجربه می‌کنند و از

تجربه فضاهایی که به آنها آزادی عمل می‌دهد، کاملاً محرومند. این مسئله در درازمدت به نارضایتی از حجاب به عنوان عامل محرومیت‌زا در استفاده از فضای طبیعی می‌انجامد.

۲-۲-۱-۲. تعارض میان خانه‌داری و نقش مراقبتی مادری

در سبک خانه‌های سنتی، حیاط محل بازی و تفریح کودکان بود که تحت نظارت مادر و زنان خویشاوند در ضمن انجام فعالیت‌های روزمره‌شان انجام می‌شد. اما اکنون ساختار نیمه عمومی یا کاملاً عمومی آن و نیز عدم اشراف به حیاط از درون آپارتمان، نظارت مادر بر بازی فرزند را در حالت طبیعی به صفر می‌رساند؛ لذا مادر باید به عنوان فعالیتی مجزا برای گردش کودک و استفاده او از طبیعت، فرصت جداگانه‌ای اختصاص دهد در غیر این صورت کودک از بازی در محیط طبیعی محروم می‌شود. این مسئله چالش تعارض بین نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر را به دنبال داشته است. از آنجا که مطلوبیت ایفای نقش‌های جنسیتی از گزاره‌های دینی قابل اثبات است (بستان، ۱۳۸۸، صص ۳۶-۴۲) و بخش مهمی از سبک زندگی دیندارانه به آن وابسته است وجود چنین تعارضی برای مادران چالشی جدی به حساب می‌آید.

۲-۲-۱-۳. محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان

چالش مهمی که تحولات شهری در بُعد مسکن به واسطه کوچک شدن خانه‌ها و نیز گسستگی روابط محله‌ای بر زندگی زنان گذاشتند محرومیت از ظرفیت مجالس مذهبی خانگی در جهت ارتقاء سواد دینی زنان بود. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد؛ برپایی مجالس مذهبی و روضه‌های خانگی یکی از سنت‌های ریشه‌دار ایرانی بود که حضور پرشور زنان در آن همواره سبب بالارفتن سواد دینی و تحکیم پایه‌های اعتقادی ایشان می‌شد (شفیعی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). بدیهی است برگزاری چنین مجالسی در خانه‌های آپارتمانی کوچک و بدون حریم شنیداری تا چه حد سخت بوده و موجبات تعرض به حقوق همسایگان را فراهم می‌آورد. کوچک شدن خانه‌ها محرومیت زنان از بهره‌مندی کامل از این ظرفیت را در پی داشت و راه تحصیل آگاهی‌های دینی بسیار محدود گشت. از

آنجا که اطلاع از آموزه‌های دینی گام اول عمل زندگی دیندارانه است، از بین رفتن زمینه این دانش افزایی به واسطه تغییر در بناهای مسکونی و گسستگی روابط محله‌ای، چالش فقر اطلاعات دینی برای تنظیم زندگی بر اساس دین را برای زنان به ارمغان آورده است.

۲-۲. تجهیزات شهری

۱-۲-۲. تحول در تجهیزات شهری

تأسیسات و تجهیزات شهری بخشی از کالبد و فضای شهری هستند که زندگی شهروندان را آسان می‌کنند و به دو قسم روبنایی و زیربنایی تقسیم می‌شوند. گسترش تجهیزات زیربنایی مانند شبکه آب‌رسانی و برق‌رسانی به طور عمده رفع‌کننده برخی چالش‌ها در زندگی زنان بوده اما تحول در تأسیسات روبنایی چالش‌هایی را در زندگی زنان شهری به وجود آورده که به آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۲-۲. مکان‌های آموزش رسمی

در عهد ناصری که روند مدرنیزاسیون در ایران آغاز شد، متناسب با سبک جدید زندگی بناهای تازه‌ای همچون مدارس، تلگراف‌خانه، سینما، ... به اماکن عمومی اضافه گشت و تجهیزات زیربنایی و روبنایی شهر گسترش یافت که بسیاری از آنها مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی زنان تأثیر گذاشت (فرهاد، ۱۳۸۹، ص ۶).

مدارس رسمی جزء اولین مکان‌های آموزشی بود که در برخی شهرهای ایران در زمان محمدشاه قاجار توسط کشیشان آمریکایی و فرانسوی راه‌اندازی شد. بعد از آن میرزا حسن رشدیه مدارس نوین را در شهرهای تبریز، مشهد و تهران پایه‌گذاری کرد. در زمان قاجار «تعدادی از مدارس جدید به ابتکار رجالی مانند امین‌الدوله پدید آمدند (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۳۹)». اولین مدرسه متوسطه «دارالفنون» بود که توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار تأسیس شد (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۵۹). در راستای گسترش نظام تعلیم و تربیت رسمی، مدارس نوین برای دختران هم تأسیس شد. اولین

مدرسه دخترانه به نام دبستان «دوشیزگان» در آغاز مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی توسط «بی بی وزیر اف» به راه افتاد و پس از آن «طوبی آزموده» چند دبستان دخترانه دیگر راه اندازی کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱، ص ۸۶).

در حکومت پهلوی علاوه بر اجباری شدن آموزش و افزایش تعداد مدارس، دستور ساخت دانشگاه تهران به عنوان نماد قطعی پیشرفت و ترقی در سال ۱۳۱۲ توسط رضاخان صادر شد (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸).

تحول در مکان های آموزشی و حضور زنان در آن، آغازگر سبک جدیدی از حضور اجتماعی زنان بود. روشنفکران ایرانی طرفدار مدرنیته، پیشرفت وطن را در گروی بهبود وضعیت زنان از طریق آموزش آنان می دانستند. این در حالی بود که نهاد دین و عرف جامعه به دلایلی از جمله سیطره غیرمسلمانان بر آموزش رسمی در ایران، بی فایده دانستن تحصیل زنان و نیز مشکلات ساختاری همچون نبود امنیت، با تحصیل زنان در مدارس رسمی مخالف بود؛ از این رو چالش هایی در زمینه حضور زنان در مدرسه و دانشگاه در دوران قاجار و پهلوی به وجود آمد که به آن اشاره خواهیم کرد. پس از پیروزی انقلاب با توجه به اینکه مدارس و دانشگاه ها تحت اداره حاکمیت اسلامی قرار گرفتند سوادآموزی زنان و حتی تحصیلات عالی آنان مورد تأیید و گاه تشویق نهاد دین در جامعه قرار گرفت و به این ترتیب چالش حضور زنان در مکان های آموزشی به دلیل مخاطراتی که قبلاً به همراه داشت اکنون تبدیل به یک فرصت برای تقویت جبهه انقلاب گردید. اما به طور کلی تحول مکان آموزشی از مکتب خانه به مدارس رسمی و دانشگاه ها، چالش هایی را به همراه داشت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲. بازار

در جامعه سنتی دوره قاجار بازار ستون فقرات و اصلی ترین فضای عمومی شهر بود که کارکرد اصلی اش در تولید و توزیع محصولات خلاصه می شد (خدایی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸). علاوه بر آن بازارچه ها و تیمچه ها هم این کارکرد را دنبال می کردند (فاضلی، ۱۳۹۴، ص ۶۰).

از اواخر دوره قاجار خیابان‌های نسبتاً مدرن به‌عنوان مظهر تجددطلبی عصر ناصری تأسیس و جدا از اینکه محل دادوستد بودند به تفرجگاه نیز تبدیل شدند (حیبی، ۱۳۹۵، صص ۱۳۵-۱۳۹). بخش مهمی از مبادلات تجاری از «دکان‌های» درون بازار به «مغازه‌های» حاشیه خیابان انتقال یافتند. این انتقال همراه با تغییر تدریجی اشیاء و اجناس مورد معامله بود. مغازه‌ها در کنار جاذبه‌هایی که در ویتترین‌های خود داشتند و تمایل خریداران به مصرف را افزون می‌کرد، کالاهای مصرفی وارداتی عرضه می‌کردند درحالی‌که بازار با کالبد درون‌گرا و به دور از تجمل، درصدد ارائه تولیدات داخلی بود.

امتداد انتقال کارکرد بازار به خیابان با احداث خیابان‌های مدرن و مغازه‌های لوکس و نیز «اعلان سیاست دروازه‌های باز در سال ۱۳۳۶ از سوی دولت پهلوی، استحاله جامعه تولیدی به جامعه مصرفی را که از روزگاران قاجار، آغاز شده بود، قطعیت می‌بخشد» (حیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴) در دوره پهلوی خیابان‌ها به نحو چشمگیری انباشته از کالاهای مصرفی شده بودند. به گفته نویسنده کتاب از شار تا شهر: «دگرگونی محتوایی جامعه، ناشی از توسعه برون‌زا، بستر عمل خود را نه در تولید و ایجاد یک جامعه مولد، بلکه در مصرف و شکل بخشیدن به یک جامعه مصرف‌کننده جستجو می‌کند... شیوه‌های زندگی مبتنی بر توسعه برون‌زا، شیوه‌های زندگی غیربومی و... به گونه‌ای وسیع از سوی دولت پهلوی تبلیغ می‌گردد. تبلیغی برای مصرف هرچه بیشتر و بیشتر در همه زمینه‌ها (حیبی، ۱۳۹۵، صص ۱۵۵-۱۵۶)» در این فضا زنان، مهم‌ترین جامعه هدف سیاست‌های مصرف‌گرایی بودند؛ به عبارت دیگر تغییر در الگوی مصرف شهرنشینان در دوره پهلوی، یکی از تحولات شهری بود که خواه‌ناخواه قشر زنان را متأثر می‌ساخت.

اگرچه در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و پس‌از آن در جنگ تحمیلی روند مصرف‌گرایی تا حدود زیادی مهار شد و ارزش قناعت جای خود را به تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی داد اما با اتمام جنگ و حاکمیت دوباره ملاک‌های توسعه بر سیاست‌های کلان کشور، روحیه مصرف‌گرایی نیز حیات مجددی یافت تا جایی که امروزه نماد پویایی شهر غیر از رشد فیزیکی و کالبدی، ورودی و خروجی آن است که در قالب

مصرف کالا، خدمات و انرژی قابل درک است. در واقع تحولاتی که در مصرف کالا و خدمات ایجاد شده جزئی از تحول شهر به حساب می‌آیند. با احداث پاساژها و مراکز خرید مدرن در حاشیه خیابان، علاوه بر مصرف کالا، «مصرف فضا» نیز موضوعیت پیدا کرده به طوری که به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان مصرف فضا توسط زنان که عموماً در قالب پرسه‌زنی در مراکز خرید اتفاق می‌افتد به زانه‌شدن شهر منجر شده است (فاضلی، ۱۳۹۴، ص ۵۸)؛ بنابراین مهم‌ترین چالشی که احداث خیابان‌های جدید در زندگی زنان ایجاد کرد، عبارت است از: تقویت روحیه مصرف‌گرایی که به آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۳. مراکز اداری

در دوره رضاخان ادارات در تهران متمرکز شده و یک دولت دیوان‌سالار مرکزی برپا شد. با در پیش گرفتن دستورالعمل «دگرگون کردن شهر» کم‌کم شهر معنای تاریخی خود را از دست داد و در مفهوم اروپائی آن بکار گرفته شد (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). ظهور دیوان‌سالاری جدید یکی از تحولات مهم شهرنشینی در ایران بود که با ورود زنان به این بخش و شکل‌گیری قشر کارمند زن همراه شد. هرچند استخدام زنان در سطحی پایین‌تر از مردان صورت می‌گرفت اما سه عامل؛ آموزش زنان، سیاست‌های تجددطلبی رضاخان و کشف حجاب موجب شد تعدادی از زنان به بدنه ادارات دولتی راه یابند (آدینه‌وند، ۱۳۹۶). لذا سیاست‌نوسازی رضاخان قشری از زنان متجدد شاغل در بیرون از خانه و نوعی از اشتغال مدرن زنان را رقم زد. ناصر تکمیل همایون به بخشی از آمار اشتغال دولتی زنان در پهلوی اشاره می‌کند: «در سرشماری کل مشاغل نفوس شهر تهران در سال ۱۳۱۱، ۱۱۱ هزار و ۲۸ مرد و ۴۱ زن در مشاغل دولتی و بلدی به‌عنوان مستخدمین ماهیانه بگير اشتغال داشتند (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱). هرچند این آمار تا زمان سقوط رژیم پهلوی افزایش داشت، اغلب شامل زنان متدین نمی‌شد اما بعد از تشکیل جمهوری اسلامی زنان انقلابی نیز وارد ادارات و مشاغل دولتی شده و در این زمینه با چالش‌هایی روبرو شدند که مهم‌ترین آن تعارض میان اشتغال و نقش مادری بود.

۲-۲-۲. چالش‌های تحول در تجهیزات شهری

۲-۲-۱. حضور زنان در فضاهای شهری؛ مطالبه‌ای فمینیستی

در گذشته جلسات مکتب‌خانه‌ها عموماً در خانه‌ی ملاباجی‌هایی برپا می‌شد که در محلات نزدیک محل سکونت شاگردان بودند. گاهی نیز خانه‌ی یکی از اعیان و اشراف محل برگزاری جلسات آموزشی بود و معلم به خانه‌ی یکی از شاگردان می‌آمد و بقیه هم در آنجا جمع می‌شدند. اما مدارس جدید دخترانه، بناهای مستقلی بودند که فاصله‌ی بیشتری از محل زندگی دختران داشتند و به دلیل مزاحمت‌های الواط و اشرار در سطح شهر و نبود نیروهای کارآمد پلیس، خروج دختران از منزل با چالش جدی مواجه بود. البته بعد از شکل‌گیری پلیس به شیوه‌ی نوین از این چالش تا حدی کاسته شد. پس از انقلاب اسلامی ایران و برقراری امنیت بیشتر در سطح شهر این مشکل به کلی از بین رفت. اما امروزه در اثر تحول در تجهیزات شهری از جمله مکان‌های آموزشی، مراکز خرید، خیابان و... چالش دیگری بروز و ظهور پیدا کرده و آن گسترش حضور در شهر به‌عنوان یک مطالبه در میان زنان است. به اعتقاد نویسنده کتاب «زنانه‌شدن شهر»: «یکی از مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های فضاهای آموزشی گسترش حضور زنان در شهرهاست... آشنایی دختران با خیابان و شهر از طریق رفتن به مراکز آموزشی و تربیتی مانند مهدکودک و مدرسه آغاز می‌شود... یکی دیگر از کارکردهای مدارس در ایران معاصر «زنانه‌کردن فضاهای شهری» است (فاضلی، ۱۳۹۴، صص ۶۷-۶۸)». زنانه‌شدن فضای شهر، حضور همه‌جانبه در فضاهای شهری گوناگون را به یک مطالبه تبدیل کرده که مطالبه‌ی حضور دختران در ورزشگاه از بارزترین مصادیق آن است. اهمیت یافتن حضور زنان در شهر و فضاهای گوناگون شهری در وهله‌ی اول بی‌ارزش شدن حضور زن در خانه و ایفای نقش‌های جنسیتی را در پی دارد؛ از این رو خانه‌نشینی بانوی مسلمان حتی اگر بر حسب وظیفه و مفید و فعال باشد به دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود اما بیرون‌رفتن او در هر شرایطی با ارزش تلقی می‌گردد. علاوه بر این با توجه به حاکمیت گفتمان لیبرالیستی^۱ بر

1. Liberalism.

فضاهای شهری، حضور زنان در برخی فضاها نمی تواند مورد تأیید شارع باشد؛ چه رسد به اینکه به مطالبه عمومی تبدیل شود.

۲-۲-۲. خارج شدن مفاهیم دینی از اولویت محتوای آموزشی

تبدیل شدن ساختار مکتب‌خانه‌ها به مدارس در روند مدرنیزاسیون^۱ با تغییر اساسی در محتوای آموزشی نیز همراه بود و موجب شد آموزش مفاهیم دینی از اولویت متون آموزشی خارج شده و به حاشیه برود. از مهم‌ترین چالش‌هایی که این مسئله در جامعه ایجاد کرد زمینه‌سازی برای طرح مطالبات فمینیستی و مباحث مرتبط با برابری جنسیتی بود به نحوی که در اثر آن، ارزش‌های دینی مربوط به تشکیل و تحکیم خانواده رنگ باخت و دستیابی به مدارج تحصیلی ترجیح پیدا کرد، بسیاری از دختران به بهانه ادامه تحصیل ازدواج خود را به تأخیر انداختند و گاه به مجرد قطعی رسیدند.

۳-۲-۲. تقویت روحیه مصرف‌گرایی

در اواخر حکومت قاجار محله‌های جدید در کنار خیابان‌های تازه احداث شده شکل گرفتند و به تبع معماری رسمی که به واسطه تجددطلبی چهره‌ای برون‌ی پیدا کرده بود عناصر خدماتی نیز در لبه‌های بیرونی این محله‌ها جای گرفتند (حیسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵). استفاده زنان از این خدمات مستلزم عبور از محلات و حضور در خیابان‌ها به عنوان نواحی بیرونی تر شهر بود و تجربه‌ای جدید از خرید کردن برای آنها به ارمغان می آورد. در دوره پهلوی، فرنگی کردن ظاهر ایران محدود به تغییر پوشش زنان و مردان نبود بلکه رضاخان فرنگی کردن کالبد شهرهای ایران را نیز در دستور کار داشت و همه این موارد ذیل پروژه نوسازی او تعریف می شد. در این راستا خیابان‌های مدرن‌تری در آن زمان احداث شدند و اولین نقشه دگرگونی تهران در سال ۱۳۰۹، «نقشه خیابان‌ها» نام گرفت (صفری، ۱۳۹۳، ص ۲۰). این حرکت به عنوان نماد تجدد، در سراسر کشور ادامه پیدا

1. Modernization.

کرد. قرار گرفتن مراکز تجاری در خیابان موجب انتقال عملکرد بازار به خیابان‌های مدرن دوره پهلوی شد و زمینه خیابان‌گردی را به‌عنوان یک تفریح برای فرنگی‌مآب‌ها بیش‌ازپیش فراهم کرد (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱۰). از این پس زنان نیز به‌جای رفتن به بازار به خیابان می‌رفتند و خرید کردن را ضمن مشاهده مظاهر مدرنیته، انجام می‌دادند.

پس از انقلاب روند مدرن‌سازی خیابان‌ها و مراکز خرید موجود در آن ادامه پیدا کرد و خیابان‌هایی مشتمل بر پاساژها و مجموعه‌های تفریحی ساخته شدند که در کنار کارکردهای سازنده خود، به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، پاساژگردی و پرسه‌زنی در خیابان دامن زدند. بدیهی است مخاطب اصلی این فرهنگ حاصل از تحول شهری، زنان بودند که به دلیل زیاد شدن اوقات فراغتشان امکان و زمان بیشتری برای خیابان‌گردی و پرسه‌زدن در پاساژها پیدا کردند؛ به عبارت دیگر مصرف‌گرایی در قالب مصرف کالا و مصرف فضا مولود نامبارک تحولات شهری در ایران بود که بیش از همه دامن‌گیر جامعه زنان شد و ارزش‌های متعالی مانند قناعت و پیروی از الگوی صحیح مصرف را در سبک زندگی مؤنانه ایشان کمرنگ کرد.

۲-۲-۴. تعارض میان اشتغال و نقش مادری

استخدام زنان در ادارات که از پهلوی اول شروع شده بود پس از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت با این تفاوت که با برقراری حکومت اسلامی و رعایت ضوابط شرعی در محیط‌های کار، زنان متدین نیز به این عرصه وارد شدند. این بانوان هرچند از جهت رعایت احکام حجاب و حفظ حریم با نامحرم چالشی نداشتند اما به دلیل فاصله محل کار از خانه و ساعات غیرمنعطف مشاغل دولتی، با چالش تعارض میان نقش مادری و اشتغال مواجه شدند. زیرا محدود بودن زمان و انرژی زن برای انجام نقش‌های متفاوت در خانه و محل کار گرانباری نقش را به دنبال داشته و بر روابط مادر فرزندی تأثیرات نامطلوبی می‌گذارد. خصوصاً در سنین خردسالی که حضور فیزیکی مادر برای ایجاد حس ایمنی در کودکان ضروری است (علاسونده، ۱۳۹۵، ص ۳۹۴)، اشتغال زنان در ساعات غیر منعطف آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر سلامت روانی کودکان وارد می‌کند. تأکید

فراوان گزاره‌های دینی بر اهمیت نقش مادر در تربیت کودک (بستان، ۱۳۸۸، صص ۴۲ و ۱۵۷)، این مسئله را در زندگی زنان متدین با چالش مواجه کرد تا جایی که در برخی موارد به چشم‌پوشی زنان از موقعیت‌های شغلی انجامید.

۳-۲. حمل و نقل

۱-۳-۲. تحولات حمل و نقل

گاری، درشکه و کالسکه اولین وسایل نقلیه عمومی بودند که به ترتیب وارد خیابان‌های ایران شدند (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۲۱) «در سال ۱۲۶۹ شمسی با ریل‌گذاری در محورهای اصلی شهر، واگن اسبی راه افتاد. بعدها بلژیکی‌ها در خیابان‌های دیگر تهران ریل نصب کردند و مسافران با واگن‌های اسبی از طریق این ریل‌ها جابه‌جا می‌شدند (بیگدلی، ۱۳۹۳، ص ۴۱)». هرچند این وسایل نقلیه عمومی در ابتدا کارکرد تفریحی داشتند (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷) اما بعدها تمامی مردم و به‌ویژه زنان از آن استفاده می‌کردند. البته ملاحظات ناموسی و خانوادگی در سوارشدن به این وسایل وجود داشته برای نمونه «زن و مرد نباید در کوچه خیابان باهم راه بروند چه قد و بالای زنشان برای دیگران معلوم می‌گردید ... در واگن اسبی و ماشین دودی نباید پهلوی هم بنشینند و به همین خاطر هم کمپانی سازنده مکان زن و مرد را علاحده ساخته بود (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۲۸).

در اواخر دوره قاجار مظفرالدین‌شاه به فرنگ رفت و علی‌رغم خالی‌بودن خزانه ماشین خرید و همراه خود به ایران آورد (بیگدلی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). پس از آن در زمان حکومت پهلوی با توجه به توسعه شهر تهران، رفت و آمد به یکی از مشکلات مردم تبدیل شده بود و توسعه حمل و نقل عمومی به‌کندی صورت می‌گرفت (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲). بعد از پیروزی انقلاب تاکنون شاهد تغییرات شگرفی در حوزه حمل و نقل شهری بودیم. اتوبوس‌های سریع‌السير و قطار شهری یا همان مترو مهم‌ترین وسایل نقلیه عمومی هستند که امنیت و سرعت زیاد در تردهای درون‌شهری را به ارمغان آورده است (برومند، ۱۳۹۲، صص ۳۹۷-۴۰۱).

پیامد تحول و توسعه حمل و نقل در ایران، افزایش مهاجرت داخلی و تحرک

درون‌شهری بود. در زمان قاجار و تا قبل از رواج شهرنشینی به معنای مدرن، خویشاوندان اغلب در خانه‌ها و محله‌های نزدیک به هم ساکن بودند. حتی طبقات فقیر و غنی عموماً در یک محله بودند چه اینکه لازم بود خانه کنیزان و غلامان در نزدیکی خانه‌های اشراف باشد تا رفت و آمد آنها برای خدمت در خانه اغنیا بدون مشکل باشد. با وارد شدن اتومبیل به ایران و توسعه حمل و نقل عمومی برخی اشراف به محله‌های خوش آب و هوا تر نقل مکان کردند (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۳۵).

در حکومت پهلوی با گسترش وسایل حمل و نقل و هماهنگی با سیاست‌های دولت، تشویق مهاجرت درون‌شهری در شهرهای بزرگ و پایتخت، باعث حرکت اقشار فرادست و دولتمند شهری به سوی حومه‌های مرفه پیش‌بینی شده و خروج اجباری اقشار فرودست و بی‌دولت شهری به سوی حاشیه‌های نامرفه شد؛ از این رو با توسعه هرچه بیشتر شهرها تحرکات جمعیتی نیز گسترده شد و قشری از خانواده‌هایی که در انتخاب جغرافیای محل سکونت خود نومکان شده بودند پدید آمدند. این مهاجرت‌های داخلی و تحرکات جمعیتی به دلیل ایجاد محرومیت از ظرفیت‌های روابط خویشاوندی، تأثیرات زیادی بر زندگی زنان گذاشت. کم‌رنگ شدن روابط عاطفی خویشاوندی، دست‌تنباه بودن مادران جوان در اداره زندگی و بچه‌داری، استقبال از مهدکودک‌ها و نبود نظارت خویشاوندان بر روابط زوجین جوان از مهم‌ترین تأثیراتی بود که این سبک زندگی بر زنان گذاشت.

هرچند افزایش امکانات مربوط به حمل و نقل از سویی راه را برای حضور زن در شهر هموارتر کرد، اما چالش‌های جدیدی را نیز پیش روی او گذاشت که ذیل عنوان افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر برای استفاده فراغتی به عنوان یک مطالبه فمینیستی قابل بررسی است.

۲-۳-۲. چالش‌های تحولات حمل و نقل

۲-۳-۲-۱. افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر؛ مطالبه‌ای برای خواهانه

با کوچک شدن مساحت خانه‌ها و بروز فقر حرکتی در زنان در کنار افزایش اوقات

فراغت آنان و افزایش حضور اجتماعی در قالب اشتغال و تحصیل، تلاش برای ایمن تر شدن فضای شهری جهت حضور و تردد زنان در فضای شهری مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. به گفته ایشان بین نسبت تردد زنان و احساس امنیت درک شده از سوی آنان رابطه مستقیم وجود دارد. از آنجا که بانوان بیشترین استفاده‌کنندگان وسایل حمل و نقل عمومی هستند، گسترش این عناصر شهری و افزایش امنیت آن، راه را جهت حضور حداکثری زنان هموارتر می‌سازد (بمانیان، ۱۳۸۷)؛ بنابراین یکی از مصادیق تحول شهر امروز در تلاش برای هموار کردن مسیر حضور برابر زنان با مردان در شهر تبلور یافته است و برنامه‌ریزان شهری به نام عدالت جنسیتی در صدد ایجاد زمینه استفاده فراغتی زنان از شهر حتی در ساعات انتهایی شب هستند. به اعتقاد برخی نویسندگان، تحرک می‌تواند شاخص تبعیض اجتماعی باشد و زنان هم باید بتوانند با امنیت کامل در همه ساعات شبانه‌روز از وسایل نقلیه استفاده کنند؛ لذا برنامه‌ریزان شهری در صدد هستند تا با فعال‌سازی تحرکات اقتصاد شبانه در مراکز شهری و اجرای برنامه‌های سرزنده فرهنگی شبانه، خیابان‌ها را در ساعات تاریک شب احیا کرده و با انواع روش‌ها سبب حضور متنوع مردم و پویا کردن جمعیت شوند تا امنیت فضای شهری را جهت تردد زنان ارتقا بخشند (بمانیان، ۱۳۸۷، ص ۴۳). تردد زنان در فضای شبانه شهری برای استفاده فراغتی با سبک زندگی دین‌مدارانه منافات دارد. در معرض خطر قرار گرفتن امنیت جنسی زن، تعارض با مصالح خانوادگی و از همه مهمتر فمینیستی بودن این مطالبه به عنوان نماد برابری زن و مرد از جمله موضوعاتی است که می‌توان آن را در تقابل با آموزه‌های دین فهم کرد.

نتیجه‌گیری

تحولات شهری از جهت تأثیری که بر زیست زنان داشته همواره دارای سویه‌های مثبت و منفی بوده است. به این معنا که برخی از این دگرگونی‌ها مانند توسعه تجهیزات شهری در زمینه شبکه آب‌رسانی و برق‌رسانی باعث شده بعضی از چالش‌های زندگی زنان حل شود، اما در موارد بسیاری نیز این تحولات چالش‌های جدید و عمیقی ایجاد

کرده‌اند که سبب دشواری‌هایی در زیست مؤمنانه زنان شده است اما بانوان مسلمان پاسخ‌های فقهی روشنی برای رفع آنها پیدا نمی‌کنند. به عقیده نگارنده این مسئله ناشی از نبود ورود موضوع‌شناسانه فقیهان به این تحولات و چالش‌های ناشی از آن است. فقیهان برای تعیین حکم تکلیفی، ناگزیر از شناخت موضوعات هستند و موضوعات و چالش‌های اجتماعی نیز از این امر مستثنا نیست. پژوهش حاضر و نظایر آن عهده‌دار کار کارشناسی در این زمینه هستند. به همین جهت در این مقاله چالش‌هایی که در اثر تحولات سامانه کالبدی شهر در زندگی زنان ایجاد شده بود، بررسی شد. از آنجا که بخش عمده فعالیت‌های زنان ایرانی در خانه انجام می‌شود، تأثیرگذارترین چالش‌ها مربوط به تحولات مسکن بود که به واسطه ایجاد محدودیت برای بانوان در استفاده از محیط طبیعی محصور در خانه بدون الزام به پوشش، سختی حکم حجاب در بیرون از منزل را مضاعف کرده و درونی‌شدن حکم حجاب را دشوار می‌سازد؛ همچنین تعارض میان نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر و محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان از چالش‌های تحولات مسکن و سبک زندگی دینی زنان است. مکان‌های آموزش رسمی، خیابان‌ها و مراکز خرید و ادارات از جمله تجهیزات شهری‌ای بودند که تغییرات آنها در دوره معاصر باعث بروز چالش‌هایی در زندگی زنان شد و موجب شد اساساً حضور زنان در شهر و استفاده از تجهیزات شهری به صورت یک مطالبه درآید. خارج‌شدن مفاهیم دینی از اولویت محتواهای آموزشی و نیز تقویت روحیه مصرف‌گرایی به واسطه احداث خیابان‌های مدرن شهری و چالش تعارض میان نقش مادری و اشتغال مدرن از دیگر چالش‌هایی هستند که در اثر تحول در تجهیزات شهری دامن‌گیر زندگی زنان شده است. تغییر و توسعه حمل‌ونقل عمومی گرچه چالش‌هایی را حل کرده اما چالش‌های جدیدی را در زیست مؤمنانه زنان موجب شده است که افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر به مثابه یک مطالبه برابری خواهانه مهم‌ترین آن‌هاست. با بررسی مواجهه فقها در دوران سه‌گانه قاجار، پهلوی و بعد از انقلاب، دریافتیم فقها در مواجهه با چالش‌های زنان رویکردهای مختلفی اتخاذ کرده‌اند که هر کدام ثمرات متفاوتی در عملکرد بانوان مسلمان داشته است. به عنوان مثال یکی از

بارزترین تحولات در بعد تجهیزات شهری، مکان‌های آموزشی و مدارس بود و در زمان‌های گوناگون نوع مواجهه فقیهان در امر تحصیل بانوان و رفتن به مدارس جدید، نقشی تعیین کننده داشت. ظهور مشاغل جدید برای زنان در شهری که درهای خود را به روی مدرنیته گشوده بود نیز از ثمرات این تحولات در ایران بود و زنان را با چالش‌های فراوان مواجه ساخت، در اینجا نیز رویکردهایی که فقها اتخاذ کرده‌اند، جالب و حاوی نکات بسیار است. بررسی این رویکردهای فقهی، مبانی و تأثیرات آن خارج از موضوع نوشتار حاضر بوده و در پژوهش مستقلی انجام شده است که در فرصت دیگری ارائه می‌گردد.

فهرست منابع

۱. آدینه‌وند، مسعود؛ فلاح توتکار، حجت؛ پورمحمدی املشی، نصراله و بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۹۶). جایگاه و نقش زنان در نظام اداری ایران دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش). نشریه تاریخ اسلام و ایران، ۲۷(۱۲۴)، صص ۹-۳۷.
۲. اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷). اینجا طهران است. تهران: نشر تاریخ ایران.
۳. اهری، زهرا. (۱۳۹۴). شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه. نشریه معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۰(۲)، صص ۲۳-۳۴.
۴. برومند، جمشید. (۱۳۹۲). شهر و فضای شهری: بررسی شهر، مسائل و ساختارهای شهری. تهران: افرند.
۵. بزی، خدارحم؛ رضایی، بیت‌اله. (۱۳۹۱). بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت، در شهر زابل. آمایش جغرافیایی فضا، ۲(۵)، صص ۱۹-۳۶.
۶. بستان، حسین. (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام. (۱۳۸۷). امنیت تردد زنان در فضاهای شهری. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، ۲(۴)، صص ۳۹-۵۶.
۸. بیگدلی، عطاءالله. (۱۳۹۳). شهرسازی. تهران: امیرکبیر.
۹. تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۰. تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۷). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران از ویرانی دارالخلافة ناصری تا پایان پهلوی (ج ۲ و ۳). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران.
۱۱. جارویس، هلن؛ کانتور، پاولا و کلارک، جانانان. (۱۳۹۴). شهر و جنسیت (مترجم: محمود شارع‌پور). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. جلیلی، تورج؛ اکبری، سروش. (۱۳۹۴). بررسی تحولات پلان‌های مسکونی از دوره قاجار

- تا پهلوی دوم. اولین دوره کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
۱۳. حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۵). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. خامنه‌زاده، حنا. (۱۳۹۶). مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. مجله علمی - پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی باغ نظر، ۱۴(۴۹)، صص ۳۱-۴۰.
۱۵. خدایی، زهرا و پورخیری، علی. (۱۳۹۰). مسائل اجتماعی شهرسازی در ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۱). لغت‌نامه دهخدا (ج ۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۷. ذوعلم، علی. (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم چالش در ادبیات اجتماعی فرهنگی ایران. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ۴(۳۶)، صص ۳۴-۳۷.
۱۸. سیدان، فریبا. (۱۳۹۷). زنان و کیفیت زندگی. تهران: تیسا.
۱۹. شفیع، سمیه‌سادات. (۱۴۰۰). تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار. تهران: ثالث.
۲۰. شهری، جعفر. (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی شهر تهران در قرن سیزدهم (ج ۱ و ۳). تهران: رسا.
۲۱. شیخ‌الاسلامی، پری. (۱۳۵۱). زن در ایران و جهان. تهران: (بی‌نا).
۲۲. صفری، سهیلا؛ یوسفی‌فر، شهرام و شیخ نوری، محمدا میر. (۱۳۹۳). اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول. مجله علمی تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱(۴)، صص ۲۹-۶۰.
۲۳. طبیب‌زاده، کیمیا السادات. (۱۳۹۶). فلسفه جایگاه حریمیت در خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر شیراز). ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر.
۲۴. علاسوند، فریبا. (۱۳۹۵). زن در اسلام. قم: هاجر.

۲۵. غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن. توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۷(۱۳)، صص ۲۹۹-۳۲۲.
۲۶. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران: تیسرا.
۲۷. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۴). زنانه‌شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. فرهاد، شراره؛ کاشانی، اریک. (۱۳۸۹). بررسی معماری و شهرسازی در دوره قاجار. همایش داخلی معماری و شهرسازی معاصر.
۲۹. کابلی، احمدرضا؛ موسوی، سیده فائزه. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های جدید معماری در دوره پهلوی. ششمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست.
۳۰. کلانتری، عبدالحسین؛ بخشی‌زاده، حسن. (۱۳۹۸). تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول. نشریه توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، صص ۴۰۹-۴۳۶.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
۳۲. معینی، سید محمود؛ زندی، مهرنوش. (۱۳۹۴). بررسی خلوت در معماری ایرانی و تأثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر. اولین همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری.
۳۳. یاران، علی؛ بهرو، حسین. (۱۳۹۶). تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۱۵)، صص ۹۱-۱۰۷.

References

1. Adinehvand, M et al. (1396 AP). The Position and Role of Women in the Administrative System of Iran during the Reign of Reza Shah (1304-1320). *Journal of the History of Islam and Iran*, 34(27), pp. 37-39. [in Persian]
2. Ahari, Z. (1394 AP). Identification of the Secondary Structure of Persian City in the Qajar Era. *Architecture and Urbanism (fine arts)*, 20(2), pp. 23-34. [In Persian]
3. Alasvand, F. (1355 AP). *Women in Islam*. Hajar. Qom. [In Persian]
4. Bazi, Kh., & Rezaei, B. (1391 AP). Examining Desirable Urban Structures for Women with an Emphasis on Security in Zabol City. *Spatial Geographical Development*, 2(5), pp. 19-36. [In Persian]
5. Bemanian, M. R., Rafiian, M., & Zabetian, E. (1387 AP). The Security of Women's Movement in Urban Spaces. *Journal of Women's Research (Journal of Women's Studies)*, 2(4), pp. 39-56. [In Persian]
6. Bigdeli, A. (1393 AP). *Urban Planning*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
7. Borumand, J. (1392 AP). *City and Urban Space: A study of the city, urban issues and structures*. Tehran: Afrand. [In Persian]
8. Bostan, H. (1388 AP). *Islam and Gender Differences*. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Persian]
9. Dehhuda, A. A. (1351 AP). *Dehhuda [Persian] Dictionary*. Tehran: Tehran University Publication. [In Persian]
10. Farhad, Sh., & Kashani, E. (1389 AP). A Study of Architecture and Urban Planning in the Qajar Era. *National Conference of Contemporary Iranian Architecture and Urbanism*, (1). [In Persian]
11. Fazeli, N. (1392 AP). *Culture and the City; Cultural Shifts in Urban Discourses" in English*. Tehran: Tisa. [In Persian]
12. Fazeli, N. (1394 AP). *Feminization of the City with Emphasis on the Spaces of Tehran*. Tehran: Scientific and cultural publications. [In Persian]
13. Ghiyasvand, A. (1394 AP). He World of Women in the Light of Gendered Spaces in Modern Urban Settings. *Local Development Rural-Urban (Rural Development)*, 7(13), pp. 299-322. [In Persian]

14. Habibi, M. (1395 AP). *From ShÁr to Shahr (City): A historical analysis of the concept of city and its physical appearance (thinking and impression)*. Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran. [In Persian]
15. Ittihadiiyyeh, M. (1377 AP). *This is Tehran*. Tehran: History if Iran. [In Persian]
16. Jalili, T., & Akbari, S. (1394 AP). A study of Developments of Residential Building Plans from the Qajar era to the Second Pahlavi Era. *The Annual Conference of Architecture, Urban Planning, Urban Management*, (1). [In Persian]
17. Jarvis, H., Contor, P., & Clark, J. (1394 AP). *City and Gender* (M. Sharepour, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
18. Kabuli, A. R., & Musavi, F. (1398 AP). The Study of Modern Architectural Components in the Pahlavi Era. *The Sixth National Conference on Urbanism, Architecture, Civil Engineering and Environment*, (6). [In Persian]
19. Kalantari, A., & Bakhshizadeh, H. (1398 AP). The Social Changes of Tehran (City) during the First Pahlavi Reign, *Journal of Community Development*, 11(2), pp. 409-436. [In Persian]
20. Khameneh Zadeh, H. (1396 AP). The Concept of Privacy and How It Is Realized in the Bio-World of the Iranian House: A comparative study of privacy in the pre-modern Iranian house and the modern Iranian house. *Bagh-e Nazar Journal of Resarch Center for Art, Architecture and Urbanization*, 49(14), pp. 31-40. [In Persian]
21. Khudai, Z., & Purkheiri, A. (1390 AP). *The Social Problems of Urbanism in Ian*. Tehran: The Center for Strategic Researches of the Expediency Discernment Council. [In Persian]
22. Muin, M. (1386 AP). *Muin [Persian] Dictionary*. Tehran: Zarrin. [In Persian]
23. Muini, M., & Zandi, Z. (1394 AP). A Study of 'Privacy' in Persian Architecture and the Effects of its Disregard on Contemporary Architecture. *The National Conference on the Culture of Tourism and Urban Identity*, (1). [In Persian]

24. Safari, S., Yusufifar, Sh., & Sheikh Nuri, M. A. (1393 AP). Public Protest against Urban Reconstruction in the Riza Pahlavi era. *Scientific Journal of Social History Research*, 1(4), pp. 29-60. [In Persian]
25. Seyedan, F. (1397 AP). *Women and Quality Of Life*. Tehran: Tisa. [In Persian]
26. Shafiei, S. (1400 AP). *Social History of Women in the Qajar Era*. Tehran: Saleth. [In Persian]
27. Shahri, J. (1369 AP). *Social History of Tehran in the Thirteenth Century*. (Vols. 1 & 3). Tehran: Rasa (Publication). [In Persian]
28. Sheikholeslami, P. (1351 AP). *Women in Iran and the world*. Tehran: n.p. [In Persian]
29. Tabibzadeh, K. (1396 AP). *The Philosophy behind the Status of Privacy in Classic Buildings (Houses) in the Qajar Era (case study: Shiraz)*. International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urbanism in Modern Iran. [In Persian]
30. Takmil Humayun, N. (1377 AP). *The Social and Cultural History of Tehran: from the destruction of the Naseri Royal Residence to the end of Pahlavi Reign* (Vols. 2 &3). Tehran: Cultural Research Office of Tehran Municipality. [In Persian]
31. Taqavi, N. (1389 AP). *Rural Sociology*. Tehran: Payame Noor University Publication. [In Persian]
32. Yaran, A., & Behru, H. (1396 AP). The Effect of Islamic Culture and Ethics on Housing and Spatial Appearance of Houses (case study: Houses in Ardabil in the Qajar era. *Scientific Journal of Research in Islamic Architecture*, 2(15), pp. 91-107. [In Persian]
33. Zu Ilm, A. (1384 AP). A Reflection on the Meaning of "Challenge" in Iranian Socio-Cultural literature. *A Monthly Journal of Thought and Political History of Contemporary Iran*, 4(36), pp. 34-37. [In Persian]